

معناشناسی «وعده» و «تعهد» و تأثیر آن بر تفسیر ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

منصوره سادات میرباقری^۱*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

مریم السادات محقق داماد^۲

DOI: 10.30497/flj.2022.241515.1695

چکیده

مفهوم واژه «وعده» در اصطلاح حقوقی و تشابه یا تفاوت معنایی آن با مفهوم «تعهد»، از موضوعات اختلافی میان حقوق دانان است. این واژه در قوانین ایران، تنها در ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی و در باب «وعده نکاح» به کار رفته است. از همین رو، اختلاف نظر درباره معنای وعده سبب شده است تا حقوق دانان تفاسیر متفاوتی از این ماده ارائه دهند. هدف این پژوهش، بررسی دقیق معانی دو واژه «وعده» و «تعهد»، بیان آرای متفاوت و تلاش در جهت برگزیدن معنای صحیح این واژگان است. در نهایت، تأثیر این اختلاف نظر در بروز برداشت‌های متفاوت از ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی مورد بررسی قرار گرفته و تفسیر صحیح‌تر از ماده فوق، ارائه و تبیین خواهد شد. نوشتار حاضر پژوهشی از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. بررسی‌های به عمل آمده نشان داد که اولاً وعده به معنای قول و قرار ساده، مفهومی متمایز از تعهد و فاقد عنصر الزام‌آوری است؛ ثانیاً با این بیان، حکم ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی مبنی بر الزام‌آور نبودن وعده نکاح، محدود به موارد «وعده صرف» به نکاح است و شامل مواردی که حاوی تعهد طرفین به ازدواج در آینده می‌باشد، نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها

وعده، تعهد، وعده نکاح، تعهد بر نکاح، عقد جایز، ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق^(ع) پردیس خواهران، تهران، ایران.

m.mirbagheri@isu.ac.ir

m.mohaghegh@isu.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق^(ع) پردیس خواهران، تهران، ایران.

مقدمه

واژگان و الفاظ رکن مهمی در ساختار زبان و ادبیات هر کشور است. هر واژه عنصری معنادار است که کاربرد آن در جملات و متون، سبب القای مفهومی منحصر به فرد به مخاطب می‌گردد. بنابراین فهم دقیق معانی واژگان و اصطلاحات از موضوعات بااهمیتی است که اولین ابزار استنباط صحیح از متون مختلف می‌باشد.

این امر در مورد ادبیات تخصصی علوم مختلف، اهمیت افزون‌تری می‌یابد، به ویژه دانشی مانند «علم حقوق» که متون قانونی از منابع مهم آن است و تفسیر نصوص و گزاره‌ها در آن نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. به علاوه گاهی در گزاره‌های مزبور، با برخی واژگان تخصصی مواجه خواهیم بود که درک مفهوم این واژگان ممکن است پیچیدگی‌های مضاعفی داشته باشد؛ اما در عین حال، اهمیت افزون‌تری نیز برای استنباط صحیح از آن گزاره دارد. بنابراین تفسیر درست و منطقی مواد قانونی و فهم دقیق احکام حقوقی، مبتنی است بر درک صحیح معانی واژگان استعمال‌شده، به ویژه لغات تخصصی. لذا از این باب است که معناشناسی واژگان در علم حقوق اهمیت ویژه یافته است و در بسیاری از موارد، پژوهش‌هایی تفصیلی، دقیق و اختصاصی می‌طلبند.

هدف اصلی نوشتار پیش‌رو پژوهشی در باب معناشناسی دو واژه از واژگان تخصصی حقوقی است که هم در ادبیات حقوق‌دانان کاربرد داشته است و هم در متون قانونی. «وعده» و «تعهد» دو واژه‌ای است که بررسی معانی دقیق و تبیین تشابه یا تفاوت‌های معنایی میان این دو، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

اغلب حقوق‌دانان، این دو مفهوم را هم‌تراز و از نظر معنایی مشابه می‌دانند. در این نوشتار، ضمن بررسی تفصیلی معنا و مفهوم هر دو واژه، در گام اول، درصدد یافتن آنیم که آیا این برداشت غالب صحیح است یا آنکه این دو مفهوم از یکدیگر متمایزند. در گام دوم، بررسی خواهیم کرد که اثر این تشابه یا تفاوت معنایی چیست و از آنجا که واژه «وعده» در قانون تنها

یکبار و صرفاً در ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی در باب «وعده نکاح» به کار رفته است، به‌طور خاص، اثر مزبور را در رابطه با همین ماده قانونی و تفسیر آن، تحلیل خواهیم نمود.

جستجوهای به‌عمل‌آمده نشان داد که تا کنون این موضوع با این خصوصیات، مورد توجه پژوهشگران واقع نشده است. درمورد معنای تعهد به‌تنهایی، برخی مقالات و پایان‌نامه‌ها به نگرش درآمده‌اند که تفاوت موضوع و دامنه آن با نوشتار حاضر روشن است. درمورد وعده نیز، اغلب از جنبه‌های قرآنی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که قرابتی با دغدغه نویسندگان این مقاله ندارد. لذا موضوع نوشتار پیش‌رو با این حدود و ثغور، در آثار پژوهشی سابق بر آن پیشینه‌ای ندارد.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. وعده

در مفهوم لغوی وعده، کلمه‌ای عربی است که در ادبیات فارسی در معانی «نوید، قول، عهد و پیمان» آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۰۳۹؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵۲۳). در زبان و ادبیات عرب، لغت وعده در همین معنا هم برای نوید دادن به خیر و هم برای تهدید به شر به کار می‌رود؛ برخلاف «وعید» که فقط برای تهدید به امری نامطلوب مثل مجازات، عذاب الهی و ... کاربرد دارد (الجوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۶۳؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۷۵). در مفهوم اصطلاحی در حقوق ایران، بین حقوق‌دانان درمورد اخلاقی یا حقوقی بودن مفهوم وعده اختلاف نظر وجود دارد. برخی از ایشان مراد از «وعده» در ترکیب «وعده انعقاد قرارداد» را قول اخلاقی و عرفی می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۳۳). برخی دیگر معتقدند اخلاقی دانستن معنای وعده اشتباه است و در اصطلاح حقوقی، وعده به معنای «تعهد و التزام» تعریف می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۸۰). برخی از حقوق‌دانان نیز معتقدند وعده در حقوق مدنی در دو معنا به کار رفته است:

الف. یک طرف به دیگری وعده انعقاد عقد معینی را در آینده بدهد؛ این امر ایجاد تعهد نمی‌کند.

ب. وعده تعهدآور مانند قولنامه‌ها (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۳۸۱۴ و ۳۸۱۵).

۲. تعهد

واژه «تعهد» در لغت، مصدر باب تفعّل از ریشه «عهد» به معنای «تازه کردن پیمان»، «شرط

یا عهدی را پذیرفتن» و «التزام» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، صص ۳۱۱ و ۳۱۳؛ الزبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، صص ۱۴۵ و ۱۴۷؛ الجوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۱۶) و در اصطلاح فقه و حقوق، «تعهد عبارت است از یک رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضای عقد یا شبه عقد یا جرم یا شبه جرم یا به حکم قانون، ملزم به دادن چیزی یا مکلف به فعل یا ترک عمل معینی به نفع شخص یا اشخاص معین می شوند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶) یا «رابطه‌ای است قانونی یا شخصی میان دو شخص که به موجب آن ذمه یکی به سود دیگری مشغول می شود» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷۱).

برخی از حقوق دانان در تعریف تعهد قائل اند که تعهد «رابطه حقوقی است که به موجب آن، شخصی در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می شود؛ خواه سبب ایجاد آن رابطه عقد باشد یا ایقاع یا الزام قهری» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۷۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۶۳۸). تعهد به این معنا جنبه شخصی دارد؛ یعنی موضوع آن رابطه شخص با شخص است، نه حقوق عینی که از رابطه شخص با عین بحث می کند (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۶۷). تعهد رابطه حقوقی الزام آور است. مقصود این است که در هر تعهد، اجرای آن بر متعهد واجب است. ایجاد تکلیف و الزام و التزام در ذات و جوهر تعهد نهفته است و از آن جداشدنی نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۶۶). قانون گذار نیز در ماده ۲۲۱ قانون مدنی به الزام آور بودن تعهدات تصریح داشته است و تخلف از ایفای تعهد را موجب ضمان و مسئولیت به جبران خسارت می داند: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است؛ مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

۳. وعده نکاح

اغلب اساتید بزرگ حقوق، وعده نکاح را مترادف نامزدی دانسته اند. وعده نکاح یکی از انواع خاص وعده های قرارداد است. به نظر برخی از حقوق دانان، وعده قرارداد، تعهد دو طرف در مقابل یکدیگر به انعقاد قرارداد مورد توافق در مدت معین و با شرایط تعیین شده است. این

تعهد در مواردی که تصمیم نهایی به بستن آن پیمان گرفته‌اند، لیکن شرایط خارجی مانع انعقاد فوری و قطعی آن است، با هدف زمینه‌سازی برای انعقاد عقد نهایی و نیز اطمینان از وقوع آن در آینده صورت می‌گیرد. همین وضعیت در نکاح نیز معمول است. ابتدا خواستگاری (معمولاً از طرف مرد) صورت می‌گیرد و طرفین ضمن گفتگو و مذاکره دربارهٔ موقعیت و شرایط طرفین و نیز وصلت مورد نظر، نقاط مثبت و منفی آن را می‌سنجند. اگر در نهایت، دو طرف برای ازدواج منظور به توافق برسند، دختر و پسر با یکدیگر نامزد می‌شوند. معنی عرفی این نامزدی که آن را مترادف با وعدهٔ نکاح دانسته‌اند، این است که دختر و پسر هم آمادگی خود را برای ازدواج با یکدیگر و تشکیل خانواده اعلام می‌کنند و هم ملتزم می‌شوند که همسر یکدیگر شوند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹). برخی دیگر نیز ضمن یکی دانستن وعدهٔ نکاح و نامزدی، آن را قراردادی تعریف می‌کنند که بین دو نفر به منظور ازدواج در آینده بسته می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ص ۲۶). اغلب حقوق‌دانان به سبب مادهٔ ۱۰۳۵ ق. م. و وعدهٔ نکاح را الزام‌آور نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، صص ۷ و ۸). اما برخی دیگر این‌گونه می‌اندیشند که اگر نامزدی طرفین حاوی نوعی تعهد باشد و آنان به یکی از طرق شرعی تعهد‌آور در برابر یکدیگر ملتزم به ازدواج در آینده شده باشند، این توافق الزام‌آور است (امامی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ محقق داماد، ۱۳۹۵، صص ۳۳ و ۳۴).

۴. تعهد بر نکاح

بالحاظ معنی و مفهوم واژهٔ تعهد، منظور از تعهد بر نکاح، رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن، طرفین ملتزم و متعهد به ازدواج با یکدیگر در آینده شده‌اند. تعهد بر نکاح اغلب به دو شکل متصور است:

الف. تعهد مستقل به انعقاد نکاح در آینده (معمولاً در قالب نهاد نامزدی): هنگامی که وعدهٔ نکاح از سوی یکی از طرفین داده می‌شود و مورد قبول طرف دیگر واقع می‌گردد و طرفین مصمم به انعقاد نکاح می‌گردند، در این هنگام است که به اصطلاح حقوقی، رابطهٔ نامزدی میان

زن و مرد برقرار گردیده و درواقع نوعی تعهد میان آنان شکل می‌گیرد که موضوع آن ازدواج در آینده است.

ب. تعهد به نکاح دائم در ضمن نکاح موقت: گاهی طرفین تصمیم قطعی بر انعقاد نکاح دائم دارند، لیکن موقتاً امکان اجرای آن را ندارند یا به دلایلی ترجیح طرفین آن است که انعقاد نکاح دائم به تأخیر افتد و از طرفی، به جهت برخی ملاحظات شرعی، عرفی یا خانوادگی، قبل از اجرای عقد نکاح دائم، برای مدت کوتاهی عقد نکاح موقت جاری می‌کنند و توافق قطعی‌شان بر این است که در آینده نزدیک ازدواج دائم نیز صورت گیرد. در این فرض نیز، با گونه‌ای از تعهد بر نکاح مواجهیم؛ چرا که درحقیقت، نکاح موقت مزبور، به همراه تعهدی مبنی بر انجام نکاح دائم در آینده شکل گرفته است.

لازم به ذکر است که گاهی مرحله نامزدی یا حتی نکاح موقت صرفاً با نیت معاشرت دختر و پسر و خانواده‌ها برای حصول شناخت بیشتر طرفین از یکدیگر صورت می‌گیرد، اما هنوز هیچ یک از دو طرف، تصمیم نهایی خود را برای این وصلت اتخاذ نکرده است. در چنین شرایطی، اساساً تعهدی شکل نگرفته و این فرض از دایره شمول تعهد بر نکاح خارج است. البته باید توجه داشت که اگر این قصد و نیت در حوزه توافقات طرفین وارد نشود و طرفین به‌طور واضح و شفاف به آن اشاره نکنند و درواقع هدف طرفین از نامزدی یا نکاح موقت مسکوت گذاشته شود، در این فرض، با توجه به ارتکاز عرف، باید تعهد بر نکاح را محقق شده بدانیم؛ چرا که در چنین شرایطی، برداشت عرف این است که طرفین با وصلت منظور موافقت دارند یا قصد ازدواج دائم دارند که درصدد برقراری رابطه نامزدی یا انعقاد نکاح موقت هستند. فلذا تعهد ایشان بر انعقاد نکاح دائم، مفروض تلقی می‌شود و از این حیث، مشمول عنوان و آثار تعهد بر نکاح می‌گردد.

۵. عقد جایز

ماده ۱۸۶ ق.م. در باب معرفی عقد جایز بیان می‌دارد: «عقد جایز آن است که هریک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند». استفاد از این ماده آن است که هریک از طرفین

برای بر هم زدن عقد جایز، نیاز به هیچ سبب خاصی اعم از خیار و اقاله ندارد و مجاز است هر زمان که مطلوب او باشد، عقد را بر هم زند. به تعبیر دیگر، برای فسخ کردن عقد جایز، صرف اراده یک‌سویه انحلال از جانب یکی از طرفین کافی است و نیاز به موافقت طرف مقابل یا حتی اعلام به او ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۰؛ شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۶۲؛ امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۲). خصوصیت دیگر این دسته از عقود آن است که به استناد ماده ۹۵۴ ق. م. به موت، جنون یا سفه یکی از طرفین (در مواردی که رشد معتبر است) منفسخ می‌گردد. همچنین قراردادهایی وصف جواز را دارند که قانون‌گذار صراحتاً آنها را جایز معرفی کرده باشد و اگر در مورد عقدی چنین تصریحی نیافتیم، به حکم اصل لزوم،^۱ باید آن را عقد لازم بدانیم (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

به نظر برخی از حقوق‌دانان، افراد همواره می‌توانند با توافق یکدیگر، عقد جایزی را به صورت غیرقابل فسخ و الزام‌آور درآورند؛ چرا که جایز بودن یک عقد، نه جزء ذات و طبیعت آن عقد است و نه در زمره قواعد آمره (همان، ص ۲۵). اما برخی دیگر معتقدند جواز بعضی از عقود با نظم عمومی مرتبط بوده و الزام‌آور ساختن آن منافی این نظم است، مانند وعده نکاح، رجوع از هبه و رجوع از وصیت. در مورد این دسته از عقود جایز، نمی‌توان با توافق طرفینی، وصف جواز را از آن سلب نمود (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۰). در هر صورت، غیرقابل فسخ نمودن عقد جایز یا به طریق درج کردن آن در ضمن یک عقد لازم است (به صورت شرط ضمن عقد) یا اسقاط حق فسخ به موجب توافق طرفین که مطابق ماده ۱۰ ق. م. لازم‌الاجراست.^۲ نکته قابل تذکر این است که عقد جایز با شیوه‌های فوق، تمام ویژگی‌های خود را به طور کامل از دست نداده و تبدیل به عقد لازم نمی‌گردد، بلکه صرفاً قابلیت فسخ از طرفین سلب می‌شود؛

۱. ماده ۲۱۹ ق. م.: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

۲. ماده ۱۰ ق. م.: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است».

اما کماکان با موت و جنون و سفه هریک از متعاملین به نحوی که اشاره گردید، منفسخ خواهد شد (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶؛ شهیدی، ۱۳۹۰، صص ۶۳ و ۶۴).

باید خاطر نشان کرد که عقود همواره نسبت به هر دو طرف لازم یا جایز نیستند، بلکه به صراحت ماده ۱۸۷ ق. م، «عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم باشد و نسبت به طرف دیگر جایز». دو مثال بارز این گونه عقود، عقد رهن و عقد کفالت است که به ترتیب نسبت به راهن و کفیل لازم و نسبت به مرتهن و مکفول له جایز است. لذا راهن و کفیل نمی توانند هر زمان بخواهند عقد را فسخ کنند و باید بدان ملتزم بمانند، اما مرتهن و مکفول له می توانند از حق خود صرف نظر و عقد را فسخ کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۲؛ صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶؛ شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

۶. ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی ایران

ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی تنها نص قانونی ای است که در آن کلمه «وعده» به کار رفته است. از این رو، معناشناسی وعده بر نحوه تفسیر این ماده و استنباط از آن مؤثر است. خصوصاً که حقوق دانان درباره معنای این واژه اتفاق نظر ندارند و اتخاذ هر کدام از معانی اخلاقی یا حقوقی برای «وعده» می تواند تفسیر متفاوتی از این ماده به دست دهد. ماده ۱۰۳۵ ق. م. مقرر می دارد: «وعده ازدواج، ایجاد علقه زوجیت نمی کند، اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده، پرداخته شده باشد. بنابراین هریک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده، می تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده یا از جهت صرف امتناع از وصلت، مطالبه خسارتی نماید».

۱. معناشناسی «تعهد» و «وعده»

معنای لغوی و اصطلاحی تعهد در بخش مفهوم شناسی بررسی شد. درباره معنای این واژه اختلاف نظری میان اهل لغت و نیز اندیشمندان حقوقی مشاهده نمی شود. از طرفی معنای آن در عرف نیز واضح و همسو با معنای لغوی و اصطلاحی است. لذا درباره این واژه تا بدین جا با چالش جدی مواجه نیستیم.

در مورد واژه وعده، اگرچه اجمالاً معنای لغوی و اصطلاحی آن بیان گردید، دیدیم که اساتید حقوق در مورد معنای این واژه در اصطلاح حقوقی اتفاق نظر ندارند. بنابراین لازم است معناشناسی دقیق‌تری از این واژه به عمل آید. از این رو، در ادامه اولاً معنای این واژه در قرآن کریم را به سبب کاربرد متعدد آن بررسی کرده، سپس دیدگاه‌های مختلف درباره معنای اصطلاحی وعده در حقوق را بیان می‌نماییم.

۱-۱. معنای اصلاحی وعده در قرآن

در برخی کتب تفسیر قرآن کریم، وعده را واجب‌الوفا دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال، علامه طباطبایی (۱۳۸۳) در کتاب *تفسیر المیزان* در شرح آیه ۱۰۸ سوره هود معتقدند:

اینکه خداوند ورود اهل ثواب را به بهشت وعده داده است، عمل به این وعده به‌عنوان یک قاعده مسلّم عقلی واجب است؛ چون وعده حقی را برای موعودّله به وجود می‌آورد و عدم وفای به عهد، اخضاع حق غیر را سبب می‌شود و این از مصادیق ظلم می‌باشد (ج ۱۱، ص ۴۵).

آیات بسیاری در قرآن کریم در خصوص وعده و لزوم وفای به آن آمده است و وفای به وعده را از صفات خداوند شمرده است. به‌عنوان مثال، در آیه ۹ سوره مبارکه آل‌عمران آمده است: «رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ پروردگارا، تو گردآورنده مردمان در روزی هستی که شکی در آن نیست، قطعاً خداوند خلف وعده نمی‌کند» یا در آیه شریفه ۱۲۲ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَن أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ وعده خدا حق است و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟» از نظر خداوند خلف وعده از صفات شیطان می‌باشد که قصدی جز فریب آدمی ندارد. در آیه ۶۴ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «... وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا؛ و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ فریب نمی‌دهد». همچنین خداوند وفای به عهد و پیمان را از نشانه‌های مؤمنان برشمرده است و به آنان وعده رستگاری می‌دهد.^۱

۱. «قَدْ افْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون، ۱ و ۸)؛ «... وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ، وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۷).

۲-۱. معنای اصطلاحی وعده در حقوق

پیش‌تر گفته شد که حقوق‌دانان درباره معنای وعده، اختلاف نظر دارند. برخی معنای آن را اخلاقی و معادل با قول و قرار محض می‌دانند که هیچ الزام و التزامی هم با آن همراه نیست؛ لیکن گروه دیگر برای وعده، مفهومی حقوقی قائل‌اند و معنای آن را هم‌تراز و مساوی با تعهد می‌دانند. لازم است استدلال‌های هر گروه، تبیین و سپس نقد شود تا روشن گردد که کدام معنا برای این واژه، معنای دقیق‌تری است.

فائلین به حقوقی بودن معنای وعده: این دسته معتقدند که اخلاقی دانستن معنای وعده اشتباه است و در اصطلاح حقوقی، وعده به معنای «تعهد و التزام» تعریف می‌شود. این گروه در توجیه نظر خود درباره معنای وعده، اولاً به معنای این کلمه در زبان فارسی استناد می‌کنند و معتقدند این واژه در ادبیات فارسی به معنی عهد و پیمان آمده است. ثانیاً عدم طرح مسائل اخلاقی در حوزه حقوق را بیان می‌کنند و معتقدند حقوق به نویدهای اخلاقی نمی‌پردازد و جای طرح آن در کتب قانون نیست. ثالثاً استعمال کلمه وعده در فارسی را معادل کلمه «promesse» در حقوق فرانسه می‌دانند که این لغت در زبان فرانسوی معنای التزام دارد و این را مؤیدی بر اخلاقی نبودن معنای وعده تصور کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۸۰؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

فائلین به اخلاقی بودن معنای وعده: در اثبات اخلاقی بودن معنای «وعده» و تفاوت معنایی آن با «تعهد»، مهم‌ترین استدلال مراجعه به عرف است. معانی الفاظ دارای سه حقیقت است: ۱. شرعی؛ ۲. عرفی؛ ۳. لغوی.

حقیقت شرعی تعریفی است که توسط شارع و قانون‌گذار برای نهادها، تأسیس‌ها و لغات بیان می‌گردد. حقیقت عرفی معنایی است که در عرف عام از آن لغت برداشت می‌شود و حقیقت لغوی، معنایی است که اهل لغت برای لغات ارائه می‌دهند.

برای فهم واژه‌ای که در قانون یا در یک متن شرعی به کار رفته، نخست باید به دنبال حقیقت شرعی آن بود؛ یعنی مادام که تعریفی توسط شرع برای واژه‌ای ارائه شده، رجوع به عرف و

حمل واژه بر معانی عرفی مجاز نیست. ولی در فرض عدم حقیقت شرعی، یعنی زمانی که واژه‌ای توسط شارع و قانون‌گذار تعریف نشده، باید به عرف عام مراجعه کرد. همچنین صرفاً در فرض نبودن حقیقت شرعی و عرفی برای یک واژه، مراجعه به تعریف اهل لغت و حمل بر معنای لغوی جایز است و آلا هرکدام از معانی شرعی یا عرفی اگر موجود باشد، مراجعه به معنای لغوی محلی از اعراب نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۶۳).

بر این اساس، برای یافتن معنای کلمه «وعده»، در گام اول باید به شرع (قانون) مراجعه کرد. این واژه نه در شرع و نه در قانون تعریف نشده است و فاقد حقیقت شرعی است. بنابراین باید به عرف عام مراجعه کرد تا در صورتی که عرف معنای قاطعی از وعده ارائه دهد، آن معنا اتخاذ گردد. در مراجعه به عرف، به وضوح می‌توان دریافت که تلقی عرف عام از کلمه «وعده» مسلماً تعهد الزامی نیست و صرفاً معنای قول و قرار و نوید محض از آن قابل برداشت است. عرف به‌طور قاطع میان «وعده» و «تعهد» تمایز قائل است و آن دو را یکی نمی‌داند. بنابراین ما نیز در فهم احکام قانونی مجاز به خلط دو معنای وعده و تعهد نیستیم.

اگرچه این معنای عرفی یکی از معانی لغوی وعده را نیز تأیید می‌کند، اما دیدیم که اهل لغت برای وعده، معنای عهد و پیمان را نیز ذکر کرده‌اند؛ لیکن مبتنی بر توضیحات پیش گفته، با توجه به وجود معنای عرفی واضح از کلمه وعده، نوبت به بررسی و استدلال به معنای لغوی نمی‌رسد و باید همین معنای عرفی در فهم و استناد به قانون مورد توجه قرار گیرد. بنابراین وعده مفهومی اخلاقی است و معنای قول و قرار محض را می‌دهد که متکی به الزام قانونی نیست و به‌هیچ‌عنوان معنای تعهد الزام‌آور ندارد.

۳-۱. نقد و جمع‌بندی دیدگاه‌ها پیرامون معنای وعده

به نظر می‌رسد در تعریف لغوی و اصطلاحی «وعده» و نیز آثار آن، اختلاط معنایی رخ داده و دقت لازم برای تشخیص معنای این کلمه و در نتیجه آثار آن صورت نگرفته است. همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، در لغت فارسی، وعده هم به معنای قول و نوید آمده است و هم به معنای عهد و پیمان؛ یعنی اهل لغت هم مفهوم اخلاقی برای آن ذکر کرده‌اند و هم

مفهوم حقوقی. لذا نمی‌توان به استناد معنای لغوی، وعده را مفهومی حقوقی و الزام‌آور تلقی کرد.

اگر در تأیید حقوقی بودن معنای وعده، به کاربرد آن در قرآن استناد شود نیز، باید گفت که در قرآن کریم، عدم تخلف از وعده از صفات خداوند برشمرده شده است؛ لیکن این مطلب دلالتی بر وجوب شرعی وفای به وعده و نیز ترتب آثار حقوقی آن در مورد بندگان ندارد. وفای به وعده یک فعل اخلاقی پسندیده است و تخلف از آن یک فعل منافی اخلاق. مسلماً ذات اقدس باری تعالی از هرگونه بی‌اخلاقی مبرا است و اینکه یک فعل اخلاقی جزء صفات خداوند بیان شود، سبب نمی‌گردد تا آن را بر بندگان نیز واجب تکلیفی و دارای آثار حقوقی بدانیم. اگر استدلال مزبور صحیح بود، هر فعل غیر اخلاقی به این دلیل که از صفات خداوند نیست، برای بندگان نیز حرمت شرعی پیدا می‌کند (و بالعکس) و علاوه بر آن، موجب ترتب آثار حقوقی می‌گشت؛ درحالی‌که می‌دانیم این‌طور نیست و این مطلب نه‌تنها ارتباطی به حکم تکلیفی بندگان ندارد، بلکه حتی اگر واجد حکم تکلیفی شرعی نیز باشد، باز هم اثبات‌کننده اثر حقوقی نیست.

درخصوص وفای به عهد و پیمان نیز که گفته شد در قرآن کریم از صفات مؤمنین دانسته شده است، نکته مهم قابل‌تذکر آن است که خداوند در آیات شریفه مدنظر، اصلاً در مورد وعده سخن نگفته؛ بلکه به «تعهد» اشاره می‌کند و در بیان خصوصیات مؤمنان در آیه ۸ سوره مبارکه مؤمنون می‌فرماید: «**أَلَدِينِهِمْ لَأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ**» و نیز در سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۷ فرموده است: «**... الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا**». قرآن کریم در مورد بندگان فراتر قدم گذاشته و وفای به «عهد» را ویژگی افراد مؤمن می‌داند و درخصوص وفای به وعده توسط بندگان سخن نمی‌گوید. همین استعمال لغت «عهد» درباره مؤمنان - و نه وعده - می‌تواند مؤیدی باشد بر مطالب بند پیشین و اخلاقی بودن معنای وعده را تقویت نماید. استفاده از این آیات برای اثبات وجوب وفای به وعده بر بندگان و حقوقی بودن معنای وعده، نشان از همان اختلاط معنایی و عدم دقت در تشخیص معنای وعده و مفاهیم مشابه آن دارد.

استدلال دیگر در توجیه حقوقی بودن معنای وعده که افرادی نظیر دکتر کاتوزیان بر آن اصرار می‌ورزند، آن است که جای طرح مسائل اخلاقی در حقوق و کتب قانون نیست و اگر وعده مفهومی اخلاقی بود، نباید در عالم حقوق و کتب قانون از آن یاد می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۸۰).

در این خصوص، باید گفت که به‌جز ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی که در باب وعده نکاح است، در هیچ متن قانونی دیگری کلمه وعده را مشاهده نمی‌کنیم. در مورد ماده فوق نیز، در قسمت‌های آتی توضیحات لازم آورده خواهد شد. اما اجمالاً باید گفت این ماده وعده نکاح را الزام‌آور ندانسته و این حکم دقیقاً به همین علت است که وعده یک قول و قرار محض است که به حد تعهد و پیمان نرسیده تا به لحاظ حقوقی الزام‌آور باشد؛ بلکه اخلاقاً شخص پایبند به رعایت آن است و نمی‌توان از طرق قانونی وی را ملزم به وفا کرد. اما اگر توافق طرفین منجر به شکل‌گیری یک تعهد میان زن و مرد مبنی بر ازدواج در آینده گردد، این تعهد نیز همانند سایر تعهدها، براساس قواعد عمومی تعهدات، که در بخش‌های دیگر قانون به آن اشاره شده است، الزام‌آور خواهد بود.

همین شیوه نگارش ماده حکایت از اخلاقی بودن مفهوم وعده دارد و این توجیه که گفته شود «وعده نکاح تعهدی است که قانون‌گذار می‌خواهد آن را الزام‌آور نداند و الا ذکر آن ضرورتی نداشت» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۳)، قابل قبول به نظر نمی‌رسد. این توجیه ناشی از همان اختلاط میان دو مفهوم وعده و تعهد است که بسیاری از حقوق‌دانان در تفکیک آن دو، دقت لازم را ننموده‌اند.

بنابراین به اعتقاد ما، استدلال‌های گروه اول برای حقوقی بودن معنای وعده و تساوی مفهوم آن با تعهد، چندان متقن و مستحکم به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر استدلال به عرف برای فهم معنای وعده توسط گروه دوم، دلیل منطقی و موجهی است. لذا با بررسی‌های به‌عمل آمده، این نتیجه حاصل می‌شود که وعده مطلقاً مفهومی حقوقی نبوده، بلکه مفهومی اخلاقی است. این واژه به معنای قول و قرار ساده و نوید محض است و کاملاً متمایز از تعهد می‌باشد. وعده، مرتبه

پیشین تعهد بوده و هنوز به میزان تعهد و التزام نرسیده است.

۲. آثار تعهد و وعده

اکنون پس از بررسی معانی دو واژه «وعده» و «تعهد» و روشن شدن تمایز این دو مفهوم از یکدیگر، لازم است آثار هر کدام به تفکیک بیان گردد.

۲-۱. آثار تعهد

تعهد یک رابطه حقوقی الزام آور است؛ بدین معنا که اجرای هر تعهد بر متعهد واجب می گردد. این الزام و التزام و ایجاد تکلیف در ذات تعهد نهفته و با آن آمیخته است. مهم ترین اثر تعهدات نیز، همین الزام آوری است.

تمامی تعهدات، ریشه قراردادی دارد و برآمده از توافق دو طرف هستند، حتی تعهدات یک طرفی؛ چرا که با قبول طرف مقابل مواجه اند. با انعقاد قرارداد، طرفین پایبند به ایفای تعهدات مصرح و ضمنی آن و نیز نتایج عرفی و قانونی برخاسته از آن قرارداد می باشند. ماده ۲۲۰ ق. م. مقرر می دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود، ملزم می باشند». برطبق این ماده، اولین اثر تعهدات ایجاد تکلیف برای متعهد، مبنی بر «اجرای موضوع تعهد» است. همچنین به موجب ماده ۲۲۱ ق. م.، «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

۲-۲. آثار وعده

پیش تر دریافتیم که «وعده» به معنای صرف قول و قرار محض، مفهومی اخلاقی و متمایز با تعهد است. در ادامه، با همین مقدمه و پیش فرض، کاربرد وعده و آثار آن از منظر حقوقی را بررسی خواهیم نمود. اگرچه لغت «وعده» جز در ماده ۱۰۳۵ ق. م.، در هیچ نص قانونی دیگری به چشم نمی خورد، در ادبیات حقوق دانان، به دفعات از این واژه استفاده شده است. شاخص ترین موضوعی که ایشان واژه وعده را در مورد آن به کار برده و به آن پرداخته اند،

مبحث «وعده قرارداد» است که با عناوین «پیش‌قرارداد» و «قرارداد مقدماتی» نیز از آن یاد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۷۷). بنابراین لازم است تا کلیاتی در رابطه با وعده‌های قرارداد، مطرح گردد.

۱-۲-۲. وعده قرارداد، کاربردی از واژه «وعده» توسط حقوق‌دانان

همواره در انعقاد هر قراردادی شاهد یک‌سری گفتگوهای مقدماتی میان طرفین، جهت دستیابی به توافق نهایی هستیم. گاه این مذاکرات به نتیجه می‌رسد و طرفین برای بستن پیمان مورد نظر با هم توافق دارند، لیکن مشکلی مانع انعقاد قرارداد می‌شود یا ممکن است برای انعقاد نهایی قرارداد، فراهم نمودن مقدماتی ضروری باشد. همچنین احتمال دارد که یکی از دو طرف تصمیم قاطع خویش را گرفته باشد و دیگری، که هنوز در تردید است، بخواهد آن تصمیم را برای خود حفظ کند تا هرگاه از تردید خارج شد و تصمیم نهایی او انعقاد پیمان مورد نظر باشد، بتواند بدان پیوندد و در نتیجه عقد منظور، واقع شود (همان‌جا).

به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت که در انعقاد عقود معین، سه مرحله متصور است:

اول) وعده قرارداد: وعده آن است که پیشنهاد انعقاد قرارداد از سوی یکی از طرفین داده می‌شود. این وعده خود دارای دو مرحله است: الف. مرحله مقدماتی محض که یک طرف صرفاً پیشنهاد داده و خودش نیز در انعقاد عقد منظور، مصمم نیست و حتی به مرحله تعهد یک طرفه نیز نرسیده است. ب. مرحله پیشرفته وعده که طرف پیشنهاددهنده مصمم به انجام عقد بوده و تصمیم قطعی خود را در این خصوص، اتخاذ نموده است، لیکن طرف مقابل هنوز مردد است. دوم) تعهد بر انعقاد عقد معین: دوطرف تصمیم قاطع خود بر انجام عقد را اتخاذ کرده‌اند و قصد جدی بر انعقاد عقد در آینده دارند، لیکن به دلایلی لازم است انعقاد عقد منظور به تأخیر افتد تا شرایط لازم فراهم گردد؛ مثلاً اقداماتی برای نهایی کردن عقد لازم است که هنوز صورت نگرفته است یا هزینه‌های زیادی برای انعقاد نهایی عقد ضروری است و طرفین فعلاً قادر به برعهده گرفتن آن در زمان حاضر نمی‌باشند. در این فرض، طرفین ملتزم به انعقاد نهایی قرارداد پس از رفع موانع می‌شوند و به توافقی ابتدایی مبنی بر اینکه عقد نهایی را در مدت معینی امضا

کنند، دست می‌یابند (سنه‌وری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸). حقوق‌دانان این پیمان مقدماتی را «پیش‌قرارداد» یا «وعده قرارداد» نام نهاده‌اند که به موجب آن طرفین متعهد و ملزم می‌شوند که قرارداد منظور را واقع سازند.

سوم) انجام عقد معین (مثلاً بیع) که احکام و آثار خاص خود را دارد. مرحله اول که صرف وعده بوده و هنوز هر دو یا یکی از طرفین تعهدی نکرده است، به اعتقاد هیچ‌یک از صاحب‌نظران لازم‌الاجرا دانسته نشده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، صص ۸ - ۱۰)؛ اما مرحله دوم که هر دو طرف متعهد به انعقاد عقد شده‌اند، وفق ماده ۱۰ قانون مدنی لازم‌الاجرا می‌باشد.^۱ اکثریت حقوق‌دانان، متأثر از تعریف خود از وعده که آن را به معنای تعهد در نظر می‌گیرند، در تعریف و ماهیت و آثار وعده قرارداد نیز همان قواعد تعهدات را جاری کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۷۷ - ۳۸۵؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، صص ۸ - ۱۰). به نظر می‌رسد آنچه درباره ماهیت و آثار وعده‌های قرارداد گفته شده، صحیح است؛ ولی نام‌گذاری این قراردادهای مقدماتی به نام «وعده قرارداد» نام‌گذاری مناسبی نیست.

در جریان شکل‌گیری یک قرارداد مقدماتی یا پیش‌قرارداد، حقیقتاً افراد در برابر یکدیگر «متعهد» به انعقاد پیمان در آینده می‌گردند و این قراردادهای مقدماتی واقعاً ماهیت تعهد دارند؛ لیکن از آنجا که به نظر ما وعده به معنی تعهد نیست، استفاده از این واژه برای پیمان‌هایی با این ماهیت، صحیح نمی‌باشد. صاحب‌نظرانی که درباره معنای وعده متفاوت از ما می‌اندیشند، طبعاً متأثر از عقیده خود در باب حقوقی بودن مفهوم وعده، اینچنین نام‌گذاری کرده‌اند؛ لیکن پیش‌تر مفصلاً توضیح دادیم که «وعده» مطلقاً مفهومی حقوقی نیست و با تعهد متفاوت است. لذا بهتر است در این موارد به جای استفاده از عنوان «وعده قرارداد»، از عناوینی همچون

۱. ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنها را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است».

«پیش قرارداد» یا «قرارداد مقدماتی» استفاده شود تا موجب سوءبرداشت در موارد مشابهی که از وعده سخن به میان می‌آید، نگردد. استفاده از واژه «وعده» باید محدود به مواردی شود که پای هیچ‌گونه تعهد و الزامی در میان نیست و صرف قول محض بدون پشتوانه حقوقی، مدنظر است.

۲-۲-۲. وعده نکاح، کاربرد واژه «وعده» در قانون

مورد دیگر از کاربرد واژه وعده در حقوق، موضوع «وعده نکاح» است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره گردید، این مبحث تنها مورد به‌کارگیری واژه وعده در متون قانونی است که در ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی به آن تصریح شده و به تبع، اساتید حقوق نیز از آن بحث کرده‌اند. وعده نکاح نیز از اقسام وعده‌های قرارداد است؛ لیکن هم به سبب کاربرد آن توسط قانون‌گذار و هم به دلیل ماهیت خاص عقد نکاح، به‌طور ویژه و خاص، مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفته و آثار آن توسط ایشان بررسی شده است. به‌رغم وجود قواعد عمومی در خصوص پیش‌قراردادها، وعده نکاح، ماهیت و آثار آن به دلیل ویژگی‌های متمایز نکاح از سایر عقود، با سؤالات و چالش‌هایی روبروست که سبب اختلاف آرا در میان حقوق‌دانان گردیده است.

قانون‌گذار مدنی در مورد «ماهیت حقوقی» وعده نکاح حکمی به‌صورت صریح و واضح ندارد. در فقه امامیه نیز، از وعده نکاح یا نهاد نامزدی سخنی به میان نیامده است و فقها آثاری برای این مرحله از مقدمات نکاح قائل نیستند. بنابراین لازم است که دیدگاه حقوق‌دانان در این خصوص مورد بررسی قرار گیرد: به نظر اکثریت حقوق‌دانان، وعده نکاح نوعی تعهد حقوقی دوجانبه یا عقد تلقی می‌گردد (گرجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۰؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۳۹ و ۴۰).

پیش‌تر نیز اشاره شد که حقوق‌دانان غالباً وعده را به‌معنای تعهد در نظر می‌گیرند. ردپای این عقیده ایشان، در اظهارنظرها راجع به وعده نکاح نیز کاملاً محسوس می‌باشد و بر همین اساس است که وعده نکاح را همان نامزدی دانسته و آن را به‌عنوان یک عقد معرفی می‌کنند. به نظر ما، با دقتی که در تفکیک مفاهیم «وعده» و «تعهد» لازم است صورت بگیرد، وعده یک قول و

قرار محض است که هنوز به مرحله تعهد نرسیده و یک طرفه می‌باشد؛ لذا نمی‌توان ماهیت عقد برای آن قائل شد؛ حتی اگر وعده ازدواج باشد. همین تفاوت معنایی سبب می‌شود تا وعده نکاح از نامزدی متمایز گردد؛ چرا که نامزدی در حقیقت تعهد متقابل طرفین است برای ازدواج در آینده و لذا ماهیت قراردادی دارد. بنابراین وعده نکاح عقد نیست، اما اگر روابط طرفین به میزان تعهد متقابل برسد و مرحله تعهد بر نکاح یا همان نامزدی محقق شود (که متفاوت با وعده نکاح است)، ماهیت آن از نظر حقوقی، یک «عقد غیرمعین» و از مصادیق ماده ۱۰ ق.م. می‌باشد.

۳. تحلیل و تفسیر ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی

بیان گردید که این ماده تنها نص قانونی است که در آن واژه «وعده» به کار رفته است. لذا تحلیل معنایی وعده و اختلافات موجود میان صاحب نظران، که پیش‌تر از آن بحث کردیم، طبعاً در تفسیر این ماده و نحوه استنباط از آن اثرگذار خواهد بود. قانون‌گذار در ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، چنین مقرر می‌دارد: «وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند، اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده است، پرداخته شده باشد. بنابراین، هریک از زن و مرد، مادام‌که عقد نکاح جاری نشده، می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر، نمی‌تواند به هیچ‌وجه او را مجبور به ازدواج کرده یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.»

اولین اثر وعده نکاح آن است که به تصریح ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، این وعده اثر عقد اصلی، یعنی نکاح را نداشته، میان زن و مرد علقه زوجیت ایجاد نمی‌کند. بنابراین هیچ‌یک از حقوق و تکالیف مربوط به زوجین میان آنان برقرار نیست، رابطه زناشویی ممنوع است و اگر فرزندی در این مدت حاصل شود، طفل نامشروع محسوب می‌گردد؛ ولو اینکه زن و مرد در نهایت با هم ازدواج کنند.

قسمت اول ماده، درخصوص اینکه وعده ازدواج، اثر عقد نکاح را ندارد و به واسطه آن، طرفین زن و شوهر نمی‌شوند، مطلبی واضح و مورد وفاق است و جای بحث ندارد. چه بسا طرح آن

در ماده ضرورتی هم نداشت؛ چرا که در حقوق ایران، هیچ پیش قراردادی اثر عقد اصلی مقصود را ندارد؛ کما اینکه مثلاً قولنامه یا به قول حقوق دانان، وعدۀ بیع، اثر بیع و انتقال مالکیت را در پی ندارد. وعدۀ نکاح نیز از این قاعده مستثنا نیست.

اما قسمت بعدی ماده محل بحث و اختلاف آرای حقوق دانان است. ماده فوق صراحتاً بیان می دارد که تا پیش از جاری شدن صیغۀ نکاح، هرکدام از زن و مرد می تواند به هر علتی، از ازدواج منظور صرف نظر نماید و هیچ کس نمی تواند او را مجبور کند تا به این وصلت وعده داده شده، پای بند بماند. اغلب حقوق دانان از این مقررۀ چنین نتیجه گرفته اند که نامزدی مطلقاً پیمانی جایز است که هر زمان امکان بر هم زدن آن از سوی هریک از طرفین وجود دارد و هیچ اجباری در پابندی به آن نیست. حتی اگر طرفین بر انجام ازدواج تعهد نموده باشند، باز هم این تعهد الزام آور نخواهد بود و قانون گذار اراده کرده است تا هرگونه الزام و اجبار و تعهد به ازدواج به هر شیوه ای را بی اثر نماید. به نظر ایشان، فقط در صورت ورود خسارت به سبب بر هم زدن غیرموجه نامزدی، جبران آن لازم است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، صص ۸ - ۱۰).

این گروه منظور از «وعدۀ ازدواج» در ماده فوق را تعهد به ازدواج می دانند نه پیشنهاد ساده آن و معتقدند که قانون گذار در ذیل ماده، صراحتاً چنین تعهدی را الزام آور ندانسته است. به نظر ایشان، قید عبارت «طرف نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده» در ماده، در صورتی معقول است که طرفین، تعهد بر ازدواج کرده باشند و قانون گذار بخواهد این تعهد را الزام آور نداند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲). به همین دلیل است که نامزدی را عقدی جایز تلقی کرده اند.

دکتر محقق داماد (۱۳۹۵) ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی را به گونه ای متفاوت تفسیر می کند:

این ماده در مقام بیان آن است که «وعدۀ محض» الزام آور نیست و نیز نمی تواند مبنای مطالبۀ خسارت باشد؛ اما باید دانست که چنانچه از حد وعدۀ محض فراتر رود و شخص از طریق یکی از اسباب و موجبات شرعی تعهد آور، خود را ملتزم به ازدواج نماید، طبعاً برحسب قواعد

عقود، ملزم به انجام آن است و در فرض نقض عهد و ورود خسارت، قواعد مربوط به آن اجرا خواهد شد. به عنوان مثال، عقد صلح و نیز شرط ضمن عقد لازم از موجبات التزام است و چنانچه شخص از طرق مزبور به انجام ازدواج متعهد شده باشد، طرف مقابل می‌تواند الزام او را از حاکم بخواهد. در این صورت، حاکم او را اجبار به ازدواج می‌نماید و در فرض استنکاف و امتناع از انجام ازدواج، بنابه قاعده «الحاکم ولی الممتنع» ازدواج را برقرار می‌سازد (ص ۳۳). یکی از مستندات حکم فوق از منظر ایشان مسئله‌ای فقهی است با این بیان که «هرگاه مصالحه بر آن باشد که زن با شخص معینی ازدواج کند، این ازدواج بر زن واجب است و اگر امتناع کند، حاکم او را اجبار می‌کند و اگر اجبار ممکن نباشد، حاکم اقدام به تزویج خواهد نمود» (موسوی خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۳). مسئله فوق مربوط به مصالحه میان زن و مرد است و در عقد نکاح موقت مطرح شده که مبتنی بر آن، زوج بذل مدت می‌کند و در مقابل، زوجه متعهد به ازدواج با شخص خاصی می‌گردد. این مسئله حکایت از آن دارد که عقد صلح الزام‌آور است؛ هر چند که مورد آن تعهد به ازدواج باشد. از آنجا که قواعد حاکم بر عقد صلح، بر شروط ضمن عقد لازم نیز حکومت دارد، لذا اگر تعهد بر ازدواج به موجب شرط ضمن عقد لازم نیز صورت بگیرد، الزام‌آور است.

فرض دیگری که ممکن است رخ دهد و ایشان مورد اشاره قرار می‌دهند، این است که تعهد بر ازدواج ضمن عقد لازم یا سایر موجبات شرعی تعهدآور نباشد، بلکه مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و قراردادی خصوصی تلقی گردد. در این صورت، به نظر ایشان، بستگی به نظر فقهی نسبت به آن دارد و چنانچه نافذ و مشروع تلقی گردد (که چنین است)، باید در همین ردیف قرار گیرد.

بنابراین به نظر ایشان در کلیه موارد تعهد بر ازدواج، شخص متعهد، ملزم به انجام آن است و در فرض تخلف، مجبور می‌شود و بالاخره اگر اجبار ممتنع باشد، توسط حاکم اجرا خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

به نظر ما، تفسیر گروه اول از ماده ۱۰۳۵ ق.م. و برداشت جواز نامزدی از آن، محل ایراد

است. تحلیل صحیح از این ماده نیازمند دو مقدمه است:

مقدمه اول: درست است که در این ماده به صراحت از آزادی طرفین در امتناع از وصلت و عدم امکان اجبار آنها سخن گفته شده، لیکن باید دید این حکم در چه بستری و ذیل چه عنوانی مقرر شده است. موضوع اصلی ماده چیست که حکم ماده بر آن موضوع بار شده است؟ صدر ماده از چه چیز بحث می‌کند تا ذیل آن نیز در همان محدوده تفسیر گردد؟ ماده فوق در خصوص «وعده نکاح» سخن می‌گوید و در صدر ماده صراحتاً نام «وعده ازدواج» به میان آمده است؛ پس حکم فوق نیز مربوط به همین عنوان است و نمی‌توان آن را خارج از این محدوده تفسیر نمود.

مقدمه دوم: وعده به معنای قول و قرار محض است و نه تعهد به انجام کاری. پیش‌تر به تفصیل درباره معنای وعده سخن گفتیم و استدلال کردیم که کلمه «وعده» معنای حقوقی ندارد، کاملاً مفهومی اخلاقی است و فاقد آثار حقوقی و ضمانت‌اجرایی می‌باشد.

نتیجه نهایی: جواز بر هم زدن و امتناع از وصلت و نیز عدم الزام به پایبندی به ازدواج منظور، مربوط به زمانی است که گفتگوهای طرفین صرفاً در حد یک وعده محض و یک قول و قرار ساده باشد، نه تعهد به ازدواج در آینده.

به عبارت دقیق‌تر، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای انعقاد هر یک از عقود معین، سه مرحله وعده، تعهد بر عقد و انعقاد عقد متصور است. همین مراحل در مقدمات عرفی نکاح نیز وجود دارد: مرحله اول، وعده ازدواج است که اشاره دارد به صرف یک «وعده محض» که هنوز مورد موافقت طرف مقابل نیز قرار نگرفته است. این مرحله قابل تطبیق با زمانی است که خواستگاری صورت گرفته و وعده‌ای در میان است، لیکن طرفین در حال بررسی و ارزیابی یکدیگر و وصلت پیش‌رو هستند و یکی از آنان یا هر دو تصمیم قاطعی در این باره اتخاذ نکرده‌اند.

در مرحله دوم، چنانچه وعده‌ای که از سوی یکی از دو طرف داده شده، به موافقت طرف مقابل و تصمیم قاطع هر دو طرف بینجامد، میان طرفین رابطه نامزدی شکل می‌گیرد و هر دو

درمقابل هم متعهد می‌شوند که در آینده‌ای نزدیک به عقد نکاح یکدیگر درآیند.^۱ در مرحله نهایی نیز عقد نکاح جاری می‌گردد که شرایط، احکام و آثار مخصوص به خود را دارد.

لذا ماهیت توافق طرفین قبل از ازدواج ممکن است حالات گوناگون داشته باشد. ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی صرفاً درباره زمانی است که رابطه طرفین در حد یک وعده و قول محض به ازدواج است. این رابطه هیچ پشتوانه حقوقی الزامی ندارد و هرکدام از طرفین هر زمان که بخواهند، می‌توانند به هر علتی به این رابطه پایان داده، از انعقاد نکاح در آینده سر باز زنند؛ بدون آنکه کسی بتواند آنان را ملزم به عمل به وعده‌شان نماید.

لیکن اگر ماهیت این رابطه فراتر از وعده و قول محض باشد، به حدی که طرفین درمقابل یکدیگر متعهد شوند که در آینده‌ای نزدیک به عقد نکاح هم درآیند، مسلماً در این صورت، مورد تخصصاً از شمول ماده ۱۰۳۵ ق.م.خارج می‌شود و ماده مذکور بر آن حاکم نخواهد بود. با عنایت به سکوت قانون‌گذار درمورد تعهد به ازدواج در این ماده و در سایر متون قانونی، معلوم می‌شود قانون‌گذار میان تعهد بر ازدواج و سایر تعهدات، تفاوتی قائل نشده و لاجرم باید به قواعد عمومی تعهدات مراجعه کرد. مطابق این قواعد، تعهدات میان افراد لازم‌الاجرا است و در صورت امتناع یکی از طرفین از ایفای تعهد خود، طرف دیگر می‌تواند وی را از طریق قضایی ملزم به انجام تعهد نماید. در صورت تخلف از اجرای تعهد و عدم امکان الزام نیز، خسارت طرف مقابل باید جبران شود که در این رابطه، قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی حاکم خواهد بود. براین اساس، زیان دیده بدون نیاز به اثبات تقصیر و به صرف تخلف طرف مقابل (بر هم زدن نامزدی)، می‌تواند مطالبه خسارت نماید؛ مگر اینکه متخلف، عدم تقصیر خود را ثابت نماید. برهم‌زننده پیمان نامزدی، تنها در صورتی که اثبات کند علت موجهی برای

۱. البته تعهد بر ازدواج گستره‌ای وسیع‌تر از نامزدی دارد و موارد دیگری را که از آن طریق، طرفین به ازدواج با یکدیگر تعهد می‌نمایند نیز، شامل می‌شود؛ مانند شرط ضمن عقد یا عقد صلح یا موارد تعهد به ازدواج دائم در ضمن ازدواج موقت که در بخش مفهوم‌شناسی توضیح داده شد.

بدعهدی خود داشته است، از جبران خسارت معاف می‌گردد.^۱ برداشت قائلین به جایز بودن نامزدی از ماده ۱۰۳۵ ق.م. ناشی از این است که ایشان متأثر از اختلاط معنایی که بین «وعده» و «تعهد» مرتکب شده‌اند، در تفسیر این ماده نیز، میان وعده ازدواج، نامزدی و تعهد بر ازدواج تفاوتی قائل نشده و همه را به یک دیده نگریسته‌اند؛ حال آنکه این سه از یکدیگر متمایزند.

با لحاظ تفکیک این مراحل و دقت در ماده ۱۰۳۵ ق.م.، روشن می‌گردد که ماده مذکور درخصوص وعده نکاح بحث می‌کند که قول و قرار ساده بوده و به حد تعهد نرسیده است. لذا تمام عبارات و مقررات مندرج در ماده نیز باید در همین محدوده تفسیر شود. بنابراین حکم ذیل ماده مبنی بر جواز برهم‌زدن وصلت، مربوط به مرحله وعده صرف است نه تعهد بر نکاح. اما در مورد «تعهد» جدی بر انعقاد عقد نکاح، نمی‌توان این ماده را مستمسک قرار داد و به استناد آن، حکم به عدم الزام‌آوری داد؛ چرا که اساساً «تعهد» موضوع این ماده نیست.^۲

۴. نتیجه‌گیری

دو واژه «وعده» و «تعهد» از واژگان تخصصی هستند که هم در لسان حقوق‌دانان و هم در متون قانونی کاربرد آن مشاهده می‌گردد. شناخت معنا و مفهوم دقیق این دو واژه در تفسیر متون قانونی و برداشت از آنها اثرگذار است.

در بررسی‌های اولیه، مشاهده شد که در باب معنای «تعهد» با اختلاف و چالش مؤثری مواجه نیستیم، اما معنای «وعده» محل بحث و اختلاف نظر اساتید حقوق است. وجود آرای متفاوت در این باره، که هر کدام آثار منحصر به فردی را سبب خواهد شد، اهمیت افزون‌تری به مسئله

۱. مبانی و علل الزام‌آور بودن تعهد بر نکاح به همین مورد محدود نیست و بحث تفصیلی و دقیقی را می‌طلبد که در دامنه نوشتار حاضر نمی‌گنجد.

۲. مباحث طرح شده در این نوشتار در رویه قضایی نیز قابل بررسی و تحلیل است. جهت مطالعه، مراجعه شود به: میرباقری، منصوره سادات (۱۴۰۰). تعهد بر نکاح و ضمانت‌اجرای آن در نظام حقوقی ایران با تکیه بر آرای قضایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.

معناشناسی وعده می‌بخشد؛ چرا که معنای مدنظر هر گروه برداشت‌های متفاوت و آثار حقوقی متمایزی را نتیجه می‌دهد. لذا تعیین معنای دقیق‌تر این واژه، ما را به برداشت صحیح از اصول حقوقی و نصوص قانونی رهنمون می‌سازد.

همچنین از آنجا که واژه «وعده» در قانون تنها یک‌بار و در ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی در باب «وعده نکاح» به کار رفته است، لازم دانستیم مبتنی بر مفهوم دقیق به‌دست‌آمده از این واژه، ماده مذکور را نیز تحلیل و اثر اختلاف نظرها در باب مفهوم وعده را بر نحوه تفسیر این ماده بررسی نماییم.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با توصیفات فوق، دستاوردهای زیر را به‌همراه داشت:

- «تعهد» به معنای تازه کردن یا پذیرفتن عهد، پیمان یا شرط، در اصطلاح حقوقی، رابطه‌ای است که به‌موجب آن اشخاص مکلف به دادن مال یا انجام فعل یا ترک فعل معینی می‌شوند. تعهدات صورت‌گرفته مابین افراد به هر نحو که باشد، الزام‌آور است؛ چرا که الزام و التزام در ذات تعهد نهفته است و از آن جداسدنی نیست.
- در مورد حقوقی یا اخلاقی بودن مفهوم «وعده» میان صاحب‌نظران حقوقی اتفاق نظر وجود ندارد. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، این نتیجه حاصل شد که برخلاف عقیده اغلب حقوق‌دانان، وعده مطلقاً مفهوم حقوقی ندارد، بلکه کاملاً مفهومی اخلاقی و متمایز از تعهد است. این واژه به معنای صرف قول و قرار ساده و نوید محض است که الزام‌آور نیز نمی‌باشد؛ اما اکثریت حقوق‌دانان با اختلاط معنایی میان وعده و تعهد و عدم تفکیک میان این دو مفهوم، به اشتباه وعده را هم‌تراز و هم‌معنا با تعهد دانسته‌اند و دقت نظر لازم در این باره صورت نگرفته است.
- اکثریت قریب به اتفاق اساتید حقوق متأثر از اختلاط معنایی رخ داده میان وعده و تعهد، در مورد پیش‌قراردادها نیز، اصطلاح «وعده قرارداد» را به کار برده‌اند؛ درحالی که این قراردادهای مقدماتی، حاوی تعهد یک یا دوجانبه به انعقاد عقد هستند. بنابراین نظر به اینکه وعده معنایی متفاوت با تعهد دارد، به اعتقاد ما، نام‌گذاری مناسبی در این خصوص صورت نگرفته و بهتر

است اصطلاح پیش‌قرارداد، به‌جای وعده قرارداد استعمال گردد.

• قائلین به حقوقی بودن معنای وعده با عدم تفکیک میان مفاهیم وعده و تعهد، از ماده ۱۰۳۵ ق. م. این‌گونه استنباط کرده‌اند که وعده نکاح همان نامزدی بوده و عقدی جایز است. حال آنکه تفسیر صحیح از این ماده از رهگذر دقت در معنای واژه «وعده» و تفکیک آن از تعهد به دست می‌آید. به نظر ما، اشکال عمده نظریه گروه مقابل، اختلاط معنایی میان دو مفهوم «وعده» و «تعهد» و عدم تفکیک میان آن دو است که سبب شده تا سه عنوان «وعده نکاح»، «نامزدی» و «تعهد بر نکاح» را یکسان تلقی کنند؛ حال آنکه از یکدیگر متمایزند. منظور از وعده، صرف قول و قرار محض است که هیچ تعهدی در آن نهفته نیست؛ اما تعهد مطابق با معنای لغوی خود، مرحله‌ای فراتر از وعده صرف است و مفهوم التزام از آن برداشت می‌گردد. ماده ۱۰۳۵ نیز درباره وعده سخن می‌گوید نه تعهد؛ لذا منطقی است که حکم این ماده را نیز فقط مربوط به وعده دانست و به تعهد و التزام جدی تسری نداد. بنابراین چنانچه توافقات فیما بین طرفین ازدواج از حد وعده محض فراتر رود و حاوی تعهد گردد، موضوع تخصصاً از شمول ماده ۱۰۳۵ ق. م. خارج می‌شود و استدلال به این ماده برای چنین مواردی صحیح نخواهد بود. در چنین شرایطی، راه حل مراجعه به قواعد عمومی تعهدات است.

منابع

- القرآن الکریم.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر و للطباعة و النشر و التوزیع.
- امامی، سید حسن (۱۳۸۵). *حقوق مدنی*، جلد ۱. تهران: انتشارات اسلامیة.
- _____ (۱۳۸۶). *حقوق مدنی*، جلد ۴. تهران: انتشارات اسلامیة.
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. تهران: محراب فکر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۶). *حقوق خانواده*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه.
- الزبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۲). *دوره حقوق تعهدات*. ترجمه محمدحسین دانش کیا و سید مهدی دادمزنی. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)*. تهران: مجد.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۵). *حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۰). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هجدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *حقوق خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۴). *نظریه عمومی تعهدات*. تهران: یلدا.
- گرجی، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۴). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۹۵). *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات سپهر.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۸۷). *دایره المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*. قم: مدینه العلم.
- میرباقری، منصوره سادات (۱۴۰۰). *تعهد بر نکاح و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با تکیه بر آرای قضایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.